

نگاهی گذرا به شیوه جمع آوری زکات و آداب جمع کنندگان

<?xml encoding="UTF-8?">

شیوه پرداخت زکات در قرآن

یکی از مباحث زکات این است که آیا مردم بعد از وجوب زکات و جمع آمدن شرایط پرداخت آن، خود زکات اموال را به موارد مصرف آن برسانند، یا آنکه باید زکات از طریق حکومت و نماینده حاکم اسلامی جمع آوری شود و پس از سامان دهی به مصارف شرعی مورد تعیین برسد.

در آغاز، برخی آیات مربوط به آن را بررسی می کنیم و سپس به روایات نظری می افکنیم.

یکی از آیاتی که در آن دستور جمع آوری زکات داده شده آیه 103 سوره توبه است:

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

«از اموال آنان صدقه ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و [هنگام گرفتن زکات] برایشان دعا کن؛ دعای تو مایه آرامش آنان است و خداوند شنوا و داناست.»

نکاتی چند از آیه استفاده می شود:

1 - آیه به پیامبر امر می کند که صدقه و زکات را از اموال مسلمانان جمع آوری کند و به عنوان یک قانون کلی چنین دستوری را به پیامبر می دهد و این فرمان حکایت از اهمیت زکات در اسلام دارد؛ (1)

2 - پیامبر و حاکم اسلامی موظف به گرفتن صدقه و زکات از مردم هستند و نباید منتظر اقدام خود مردم باشند؛ این نکته از کلمه «خُذْ» که امر به گرفتن است استفاده می شود. اگر چنین نبود باید به جای لفظ خُذْ کلمه «تَقَبَّلْ» را به کار می برد؛ یعنی اگر مردم با دست خود زکات را آوردند قبول کن و بپذیر؛ (2)

3 - تعیین اموال متعلق صدقه (زکات) و مقدار آن بسته به نظر پیامبر و حاکم اسلامی است - از این رو پیامبر چیزهایی را که مورد تعلق زکات است معین فرمود -.. این نکته از نکره آمدن «صدقه» و عدم تعیین مقدار خاص آن استفاده می شود؛

4 - نیز استفاده می شود که تنها بخشی از اموال و داراییها به عنوان صدقه و زکات دریافت می شود نه تمامی اموال؛ این نکته از کلمه «مِنْ» که برای تبعیض است به دست می آید.

همچنین زکات از یک مال و یک جنس گرفته نمی شود، از این رو «اموال» را جمع آورده است. مال نیز بر هر آنچه که آدمی به دست می آورد اطلاق می گردد؛ (3)

5 - در آیه به فلسفه اخلاقی، روانی و اجتماعی زکات اشاره شده، آنجا که به پیامبر می فرماید: «تطهرهم و تزكیهم بها»

«تو با این کار که از آنان زکات می گیری آنان را پاک می کنی و نمو و رشد می دهی.»

زکات انسان را از رذایل اخلاقی نظیر دنیا پرستی و بخل پاک می کند و نهال نوع دوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در آنان پرورش می دهد. علاوه بر آنکه مفسد و آلودگیهایی که در جامعه به سبب فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از مردم به وجود می آید با انجام این فریضه الهی برچیده می شود و صحنه اجتماع

از این آلودگیها پاک می گردد؛ و نیز همبستگی اجتماعی و رشد و پیشرفت اقتصادی در سایه این گونه برنامه ها تأمین می گردد.

پس حکم زکات و جمع آوری آن از سوی رهبران حکومت اسلامی پاک کننده فرد و اجتماع و رشد دهنده فضایل و ارزشها در وجود افراد می باشد؛ (4)

6 - توصیه خداوند به دعا کردن پیامبر صلی الله علیه و آله برای زکات دهندگان به هنگام دریافت زکات مایه آرامش روحی آنان می شود و این نشان می دهد که حتی در برابر انجام وظایف واجب باید از مردم تشکر و قدردانی کرد؛ و به ویژه از طریق معنوی و روانی به تشویق آنان پرداخت.

از این رو در روایات می خوانیم هنگامی که مردم زکات خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می آوردند، حضرت با جمله «اللهم صل علیهم ؛ خدایا بر آنان درود فرست» به آنان دعا می کرد.

در مجمع البیان می نویسد:

«از روش پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که به دهنده زکات دعا می کرد و برای مال او از خدا خیر و برکت درخواست می نمود. هر وقت یکی از مسلمانان زکات خود را می آورد پیامبر بر او درود می فرستاد، چنان که هنگامی که عبدالله بن ابی اوفی که باغ دار بود زکات خود را پیش پیامبر آورد حضرت فرمود: "اللهم صل علی آل ابی اوفی ؛ خدایا بر آل ابی اوفی درود فرست."» (5)

7 - قرآن در آخر آیه اضافه می کند که دعا و درود تو مایه آرامش خاطر آنها است؛ زیرا در پرتو دعای تو رحمت الهی بر دل و جان آنان پرتو می افکند آن گونه که آن را احساس می کنند.

علاوه بر آن، قدردانی پیامبر یا حاکم اسلامی یک نوع آرامش روحی به آنان می بخشد که اگر با دادن صدقه و زکات چیزی را از دست داده اند بهتر از آن را به دست آورده اند که دعای پیامبر باشد؛ زیرا دعای پیامبر در حق مؤمنان مورد استجاب خداوند و دارای تأثیر قطعی است.

«و الله سمیع علیم» نیز اشاره دارد به اینکه دستورها و رهنمودهای خداوند نشأت گرفته از علم گسترده او به مصالح واقعی و تأثیر مثبت آنها است؛ چه اینکه تأثیر مثبت هر یک را خداوند بر اساس علم گسترده خود بیان داشته است؛ (6)

8 - نکته دیگر، جواز فرستادن صلوات بر غیر پیامبر است که جمله «صل علیهم» بر آن دلالت دارد. آیه دوم درباره حضرت اسماعیل صادق الوعد است که خداوند او را ستایش می کند و از یکی از کارهای خوب او چنین یاد می کند:

«و کان یأمر اهله بالصلوة و الزکوة» (7)

«او همواره خانواده و وابستگان خود را به نماز و دادن زکات فرمان می داد.» (8)

از آیه استفاده می شود که رهبر جامعه اسلامی باید به طور مستمر از قوم و عشیره خود یا همه مردم و پیروان خود بخواهد که زکات را ادا نمایند و از کلمه «یأمر» که فعل مضارع است همیشگی بودن استفاده می شود.

شیوه پرداخت زکات در روایات

از مجموع روایات استفاده می شود که اصل اولی آن است که زکات از طریق حاکم اسلامی جمع آوری و به مستحقان آن رسانده شود. چند روایت را در این زمینه مرور می کنیم.

1 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«امرتُ ان آخذ الصدقة من اغنيائكم فارڈھا فی فقرائکم» (9)

«من از طرف خدا مأمور هستم که زکات را از ثروتمندان شما بگیرم و در میان بینوایان پخش کنم.»
امامان شیعه پس از پیامبر همین روش را داشتند و این حکم اختصاص به پیامبر ندارد.

2 - عن بعض اصحابنا عن ابي عبدالله قال:

«سألته عن قول الله: "خذ من اموالهم صدقة"، جارية هي في الامام بعد رسول الله؟ قال: نعم.» (10)

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم سخن خداوند که می فرماید: "از اموال آنان صدقه بگیر"، آیا در مورد امام و پیشوای بعد از رسول خدا نیز جریان دارد؟ فرمود: آری.»

3 - از امام جواد علیه السلام روایت شده که فرمود:

«دوستان ما - که از خداوند صلاح آنان را مسئلت می کنم - یا برخی از آنان در تکلیف واجب خود کوتاهی کردند و من آگاه شدم، پس دوست داشتم با برنامه ای که این سال در مورد خمس اجرا کردم آنان را تطهیر و تزکیه کنم، خداوند فرموده است: از اموال آنان صدقه بگیر تا بدین وسیله آنها را تطهیر و تزکیه کنی.» (11)
4 - امام صادق علیه السلام فرمود:

«يجبر الامام الناس على اخذ الزكاة من اموالهم لان الله عزوجل قال: "خذ من اموالهم صدقة".»

«امام و پیشوای مسلمانان مردم را وادار می کند که از اموال آنان زکات گرفته شود؛ زیرا خدا فرموده است: از اموال آنان صدقه بگیر.» (12)

5 - در برخی از روایات آمده آنچه پیشوای جامعه اسلامی از مردم به عنوان زکات می گیرد نیاز به آن ندارد بلکه در راه مصالح عمومی مسلمانان و موارد مصرف آن هزینه می کند، پس مردم باید با جان و دل و رضایت و خشنودی زکات را به حاکم تحویل دهند و بدانند که حاکم با جمع آوری زکات مسئولیت سنگینی را از دوش آنان برداشته است.

وی در ادامه، گمان بد و برداشت غیر صحیح از ادای زکات را مساوی با کفر و انکار اسلام و ولایت دانسته است.

سیره عملی پیامبر در گردآوری زکات

گفتیم از آیات و روایات استفاده می شود که گرفتن زکات یک امر حکومتی است و پیامبر بعد از تشکیل حکومت اسلامی این فرمان را اجرا کرد.

گرچه در خصوص وجوب زکات آیاتی در مکه نازل شده بود (13) و مردم هم از موضوع زکات آگاه بودند و می دانستند که باید مقداری از اموال خود را در راه خدا انفاق کنند ولی در عین حال پیامبر کسانی را به اطراف مدینه فرستاد تا زکاتها را جمع آوری کنند که در آیه 60 از سوره توبه از آنان تحت عنوان «عاملین زکات» یاد شده است؛ (14) از این رو در فقه بحث شده که اگر مأموران زکات خود از نیازمندان باشند یا آنکه در راه گرفتن زکات زحمتی را متحمل شوند و کاری را انجام دهند برای احترام به عملکرد یک فرد مسلمان می توانند از زکاتهای جمع آوری شده استفاده نمایند.

از فقها شیخ صدوق و امام راحل قدس سره زکات را امر حکومتی می دانند؛ (15) بدین معنا که باید تحت اشراف ولیّ امر مسلمانان وصول و به مصارف تعیین شده برسد.

سیره پیامبر اکرم نیز این امر را تأیید می کند؛ چه آن که حضرت افرادی را تعیین کردند تا زکات را جمع آوری کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آیه «خذ من اموالهم صدقة» در ماه مبارک رمضان نازل شد، در آن

هنگام منادی رسول خدا با صدای بلند در میان مردم چنین اعلام کرد:
ای مردم! خدا زکات را بر شما واجب نمود، همان طور که نماز را بر شما واجب نمود... سپس به ندا کننده فرمود:
به مسلمانان بگو زکات اموالتان را اگر بدهید نماز شما قبول می شود.
در پایان حضرت رسول برای اجرای دستور خداوند عاملین زکات را جهت جمع آوری زکات به سوی قبایل (دامداران و کشاورزان) روانه کرد. (16)

کارگزاران پیامبر در جمع آوری زکات

پیامبر برای گرفتن زکات، کارگزارانی تعیین فرمود و به اطراف فرستاد. در تاریخ اسلام نام این افراد به ثبت رسیده و از آنان تحت عنوان «مصدقین» یاد شده است.
سعید بن عمرو می گوید: هنگامی که پیامبر از جَعْرَانه به مدینه رسید روز 27 ذی القعدة بود، تا ماه محرم در مدینه ماند و در اول ماه محرم کارگزاران زکات را برای جمع آوری زکات به اطراف فرستاد.
شخصی به نام «بُرَيْدَةُ بْنُ الْحَصِيبِ» یا «کعب بن مالک» را به سوی طایفه اُسَلَم و غفار و «عَبَادُ بْنُ بَشَرَ الْاَشْهَلِي» را به سوی طایفه سُلَيم و مُزَيْنَه و «ضحاک بن سفیان الکلابی» را به سوی طایفه بنی کلاب، و «بُسْر بن سفیان الکعبی» را به سوی طایفه بنی کعب، و «ابن اللَّتْبِيَّةِ الْاَزْدِي» را به سوی بنی دُبَيَّان، و «رافع بن مکيث» را به سوی قبیله جُهْنِيَه، و «عمرو بن العاص» را به سوی قبیله «فزاره» و مردی از قبیله «بنی سعد بن هُذَيم» را به سوی بنی سعد فرستاد... (17)

شیوه جمع آوری زکات و آداب جمع کنندگان از دیدگاه علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام در دوران حکومت خود به مسئولان جمع آوری زکات سفارشهایی کرده است و برای آنها ویژگیهایی برشمرده و آدابی قرار داده که باید رعایت کنند.
شایسته است که مسئولان نظام مالیاتی و جمع کنندگان صدقات و زکات آن را نصب العین خود قرار دهند تا رضایت خدا و بندگان خدا را به دست آورند.
در نامه ای که حضرت برای عاملان زکات نوشته، اموری را بدیشان گوشزد کرده است که در اینجا مطالب آن را به صورت دسته بندی شده تقدیم می کنیم.

- 1 - حرکت خود را با ترس از خدای واحد آغاز کن:
(انطلق علی تقوی الله وحده لا شریک له)
- 2 - مسلمانی را مترسان و اگر او را خوش نیاید به سراغش مرو:
(و لا تروعن مسلما و لا تجتازن علیه کارها)
- 3 - بیش از حق خدا از مال او مستان:
(و لا تأخذن منه اکثر حق الله فی ماله)
- 4 - چون به قبیله ای برسی بر سر آب آنان فرود آی و به خانه هایشان داخل مشو، آنگاه با آرامش و وقار به سوی ایشان رو تا در میانشان برسی. به آنان سلام کن و تحیت گوی و در سلام و تحیت امساک منمای:
(فاذا قدمت علی الحی فانزل بمائهم من غیر ان تخالط ابیاتهم ثم امض الیهم بالسکینه و الوقار حتی تقوم بینهم فتسلم علیهم و لا تُخرج بالتحیة لهم)

5 - پس بگوی که ای بندگان خدا! ولیّ خدا و خلیفه او مرا به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد بستانم. آیا خدا را در اموالتان سهمی هست که آن را به ولی خدا بپردازید؟

اگر کسی گفت نه، به سراغش مرو و اگر کسی گفت: آری، بی آنکه او را بترسانی یا تهدیدش کنی یا بر او سخت گیری یا به دشواری اش افکنی به همراهش برو و آنچه از زر و سیم دهد بستان:

(ثم تقول: عباد الله ارسلني اليكم وليّ الله و خليفته لآخذ منكم حق الله في اموالكم هل لله في اموالكم من حقّ فتوده الى وليّه؟ فان قال قائل لا فلا تُراجعهُ و ان انعم لك منعم فانطلق معه من غير ان تخيفه او توعده او تعسفه او ترهقه فخذ ما اعطاك من ذهب او فضة) (18)

6 - اگر او را گاو و گوسفند و شتر باشد جز به اجازه صاحبانش به میان رمه مرو؛ زیرا بیش تر آنها از آن اوست و چون به رمه چارپایان رسیدی مانند کسی مباش که خود را بر صاحب آنها مسلّط می شمارد یا می خواهد بر او سخت گیرد.

چارپایی را رم مده و مترسان و صاحبش را در گرفتن آن مرنجان.

پس مال را هر چه هست به دو بخش کن و صاحب مال را به گزینش یکی از آن دو بخش مخیر گردان... و در آخر سهم خدا را از او بستان:

(فان كان له ماشية او ابل فلا تدخلها الا باذنه فانّ اكثرها له، فاذا اتيتها فلا تدخل عليه دخول متسلط عليه و لا عنيف به و لا تُنفِرَنَّ بهيمة و لا تفزعنّها و لا تسوئن صاحبها فيها و اصدع المال صدعين ثمّ خير... فاقبض حقّ الله منه)

7 - ستور پیر و سالخورده و پای و پشت شکسته و بیمار و لاغر و معیوب را مگیر:

(و لا تأخذنّ عودا و لا هرمة و لا مكسورة و لا مهلوسة و لا ذات عوارٍ) (19)

در نامه دیگر آن حضرت به یکی از کارگزاران خود هنگامی که او را برای گردآوری زکات می فرستاد مطالب زیادی را بیان کرده است.

او را دعوت به تقوا نموده و سفارش کرده که با مردم با مدارا رفتار کند و به آنان تهمت نزند؛ زیرا آنان برادران دینی او و در گرفتن حقوق خداوند یاران او هستند.

برای او نصیبی در زکات قرار داده و مسکینان و ناتوانان و بینوایان را با او شریک دانسته و او را از خیانت کردن می ترساند؛ زیرا بزرگ ترین خیانت، خیانت به مسلمانان و بزرگ ترین دغل کاری، دغل کاری نسبت به پیشوایان است. (20)

در نامه 51 که به کارگزارانش در امر خراج نوشته آنان را از روز قیامت بیم داده و آنان را خازنان رعیت و وکیلان امت و سفیران امامان معرفی کرده است.

در نامه 67 نیز که به کارگزار خود در مکه قثم بن عباس نوشته، چنین دستور می دهد:

«در مال خدا که نزد تو گرد می آید نظر کن، آن را به عیالمندان و گرسنگانی که در نزد تو هستند و به نیازمندان و فقیران برسان و هر چه افزون آید نزد ما روانه اش دار تا ما نیز آن را به نیازمندانی که نزد ما هستند برسانیم.» از طرفی در روایات می خوانیم: پنهان کردن زکات از امام جامعه نشانه نفاق است؛ (21) اگر چنین باشد پس باید زکاتها به طور روشن نزد پیشوای مسلمانان جمع آوری و توسط او تقسیم شود.

نیز در صدر اسلام افرادی متخصص در تخمین مبلغ زکات بودند که از طرف رسول خدا و حضرت علی علیهماالسلام به مناطق مختلف اعزام می شدند.

اگر پرداخت زکات از وظایف فردی بود و از وظایف رسمی نظام اسلامی نبود نیازی به فرستادن گروه تخمین و ارزیابی از طرف حکومت نبود. (22)

حضرت علی علیه السلام برای مخنف بن سلیم که مسئول اخذ زکات بود عهدنامه ای نوشت که در آن آمده است: «هر کس از پیروان ما از مردم جزیره و کوفه و شام ادعا کرد که زکات مال خود را به کارگزاران شام پرداخت کرده است درست نیست؛ زیرا نیروی سواره و پیاده ما از او حمایت کرده است و سزاوار نیست که افرادی در این مناطق از خدمات ما بهره مند شوند ولی زکات اموال خود را به دشمنان ما بدهند.» (23)

از این حدیث معلوم می شود که زکات بخشی از درآمدهای حکومتی است و باید به حاکم داده شود تا امنیت را با تدبیر و استفاده از قوای مسلح به وجود آورد.

در این نوشتار به طور گذرا شیوه جمع آوری زکات و آداب جمع کنندگان و کارگزاران را پی گرفتیم. امید است که مسئولان نظام اسلامی با بهره گیری از آیات قرآن و سخنان و سیره پیشوایان دینی در زنده کردن این فریضه الهی گامهای بلندی بردارند و جامعه اسلامی در پرتو این امر دینی از عدالت و شکوفایی اقتصادی برخوردار گردد.

پی نوشت ها :

- 1 - المیزان، علامه طباطبایی، ج 9، ص 390، منشورات اعلمی، بیروت، سال 1417.
- 2 - تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، ج 7، ص 270، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، 1376.
- 3 - المیزان، همان، ص 390؛ تفسیر راهنما، ج 7، ص 280؛ التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، مکتب اعلام الاسلامی، ج 5، ص 292.
- 4 - تفسیر نمونه، ج 8، ص 117؛ تفسیر راهنما، ج 7، ص 289.
- 5 - مجمع البیان، ج 5، ص 118؛ المیزان، ج 9، ص 390.
- 6 - تفسیر راهنما، ص 282؛ تفسیر نمونه، ص 119.
- 7 - سوره مریم (19) آیه 55.
- 8 - مجمع البیان، ج 6، ص 429.
- 9 - جامع احادیث الشیعه، حسین بروجردی، ج 9، ص 239.
- 10 - تفسیر عیاشی، سمرقند، ج 2، ص 106.
- 11 - تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج 4، ص 141، ح 20: انّ موالی اسئل الله صلاحهم او بعضهم قصروا فیما یجب علیهم فعلمت ذلک فاجبْتُ ان اطهرهم و ازکیهم بما فعلت فی عامی هذا من امر الخمس قال الله تعالی: خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها.
- 12 - دعائم الاسلام، قاضی نعمان مصری، ج 1، ص 253؛ بحارالانوار، ج 93، ص 86، حدیث 7.
- 13 - آیه 156 سوره اعراف، آیه 3 سوره نمل؛ آیه 4 سوره لقمان؛ آیه 7 سوره فصلت؛ آیه 4 سوره مؤمنون.
- 14 - سوره توبه (9) آیه 60.

15 - تحریرالوسیله، ج 1، ص 343: بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی به فقیه و حاکم اسلامی بدهند به ویژه اگر دستور بدهد؛ زیرا او به جایگاه و محل مصرف آن آگاه تر است و اگر فقیه و حاکم اسلامی بنا بر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند واجب است.

16 - من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 5، از کتاب زکات ؛ وسایل الشیعه، ج 6، ص 3 ؛ تفسیر صافی، ذیل آیه 103 توبه.

17 - کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج 3، ص 973، تحقیق دکتر مارسدن جونس، مؤسسه اعلمی، بیروت.

18 - نهج البلاغه، نامه 25.

19 - نهج البلاغه، نامه 25.

20 - ر.ک: نهج البلاغه، نامه 26.

21 - مستدرک الوسایل، میرزا حسین نوری، ج 7، ص 123: دعائم الاسلام روینا عن جعفر بن محمد... عن امیرالمؤمنین انه نهی ان یخفی المرء زکاته عن امامه و قال: اخفاء ذلک من النفاق.

22 - زکات، محسن قرائتی، ستاد اقامه نماز و احیاء زکات، ص 91.

23 - مستدرک الوسایل، ج 7، ص 107: عن علی انه استعمل مخنف بن سلیم علی صدقات بکر بن وائل و کتب له عهدا کان فیه: فمن کان من اهل طاعتنا من اهل الجزیره و فیما بین الکوفه و ارض الشام فادّعی انه ادّی صدقته الی عمال الشام و هو فی حوزتنا ممنوع قد حمته خیلنا و رجالنا فلا یجوز له ذلک فانه لیس له ان ینزل بلادنا و یودّی صدقة ماله الی عدونا.